

فریاد خاموشان - قسمت نهم

« راهی روشن‌تر، پس از تاریکی »

از لابه‌لای رنج‌های پایان‌ناپذیر، صدای انسان هنوز می‌جوشد. سرزمین ما، افغانستان، که سالیان سال در آتش جنگ، چرخش‌های سیاسی، و خیانت معامله‌گران فرو رفته است، هنوز ریشه‌هایی دارد که از دل خاکستر می‌روید. این ریشه‌ها همان انسان‌های خاموشی‌اند که صدایشان به فریاد بدل نشده، اما در سکوت خود نیرویی عظیم نهفته دارند.

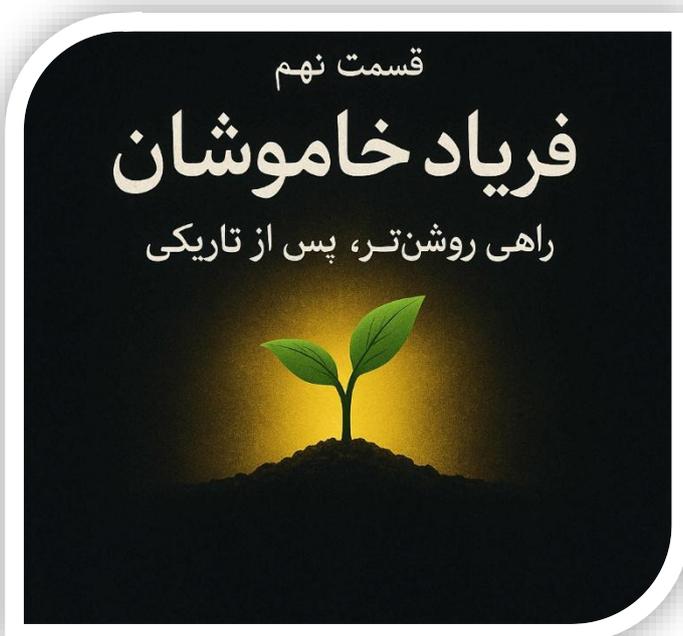
آینده را نمی‌توان تنها با شمشیر و قدرت نظامی رقم زد؛ آینده افغانستان به آگاهی، اتحاد، و صداقت مردمش گره خورده است. آنچه امروز تاریکی می‌نماید، تنها پرده‌ای است بر خورشیدی که اگر بخواهیم، می‌تواند طلوع کند. این خورشید از خون‌ریزی و تفرقه به‌وجود نمی‌آید؛ بلکه از بیداری مردم، از باور به ارزش‌های انسانی، و از انتخاب درست برخاسته می‌شود. اگر تاریخ معاصر ما سرشار از شکست، تفرقه و درد بوده است، پس آینده می‌تواند به گونه‌ای دیگر نوشته شود.

مردمی که امروز در خاموشی خویش زجر می‌برند، می‌توانند فردا را با صدای واحدی بسازند؛ صدایی که دیگر نه برای جنگ، بلکه برای عدالت، آموزش، آزادی و صلح ظنین‌انداز گردد، در چنین شرایطی است که رهبران خودخواه و معامله‌گر و خود ساخته روزی به پایان می‌رسند؛ اما نسلی که می‌فهمد و می‌آموزد، پایدار می‌ماند.

امروز رسالت بزرگ ما این است که در برابر چرخ جنگ‌طلبی بی‌ایستیم و به‌جای تکرار گذشته، جاده‌ای تازه ترسیم کنیم. جاده‌ای که از دل تاریکی می‌گذرد و به سوی روشنایی می‌رود. افغانستان آینده، اگر بخواهد بماند، باید بر ستون‌های صلح و همزیستی ساخته شود. این تنها راهی است که می‌تواند رنج خاموشان را به فریادی سازنده بدل کند؛ فریادی که نه برای شکستن، که برای ساختن است.

خورشید در دل همین خاکستر نهفته است، کافی است باور کنیم که می‌توانیم. کافی است صداقت را جانشین خیانت کنیم و مهر را جایگزین نفرت. آن‌گاه فریاد خاموشان، به سرود امید بدل خواهد شد و تاریکی راه را به روشنایی خواهد سپرد.

عزیزانم: این نوشته فریادی است برای آنان که صدایشان در هیاهوی قدرت گیر شده است، و من و تو وظیفه وجدانی داریم تا صدای خاموشان را بگویم، بنویسیم و فریاد زنیم.



در پایان این قسمت عرض شود قدردان مهر و همراهی‌تان هستم تا فریادی را شما نیز بازگو بدارید . /

با مهر و احترام : « سراج ادیب » تاریخ نشر 2025/8/23

قسمت دهم در آینده